

انقلاب فرهنگی، حکومتگران همچنان قربانی میطلبند



هفته گذشته لکه تنگ دیگری بر دامن حکومت نشست و آن اعدام فرامرز (حسن) حمید، دانشجوی انستیتو تکنولوژی لاکان در رشت بود. حسن حمید چراغان باخت و چرا حکومت دستش را بخون وی آلوده ساخت؟ حمید هنگامیکه پس از حمله مزدوران به دانشگاه گیلان، بیاری دانشجویان شتافت تا در مقاومت آنها شرکت جست و از سنگر آزادی دفاع نماید، بوسیله یاسداران سرمایه دستگیر و راهی زندان جمهوری اسلامی شد و اینک پس از سه ماه بدون هیچ دلیل و مجوزی و فقط به جرم دفاع از آرمان زحمت کشان به جوخه اعدام سپرده میشود. دادگاه فرمایشی فرامرز حمید را "محارب با خدا و رسول خدا" تشخیص داده و در سرگاه دوشنبه ۲۳ تیرماه فرمان آتش مزدوران جمهوری اسلامی شهیدی دیگر بر جای گذاشت. این شهید و شهیدی دیگر میبایست راه "انقلاب" بقیه در صفحه ۳

پاکسازی، عاملی برای تصفیه مبارزین از ادارات و مؤسسات

پس از سخنرانی خمینی مبنی بر پاکسازی ادارات و مؤسسات از نشانه های "طاغوت" و رژیم شاهنشاهی، ظاهراً نقل و انتقالاتی به چشم میخورد. عده ای دیگر باز خرید و بازنشسته و عده ای بکلی اخراج و... میشوند. مادر شماره های پیشین نطق خمینی را که به این عطیات ختم شد، مورد بررسی قرار داده و یادآور شدیم که خمینی در واقع این نطق را به طرفداری از حزب جمهوری اسلامی بیان کرده و خواسته است در مابین جو بوجود آمده از طرف بنی صدر بوسیله انتشار نوار آیت در جامعه که در کل آبرو و حیثیت جمهوری اسلامی را بر باد میداد، جو دیگری و بنفع حزب جمهوری اسلامی ایجاد نماید. نتایج مترتب بر نطق خمینی این امر را مستدل میسازد. در "پاکسازی" ادارات و مؤسسات می بینیم که انجمنهای اسلامی هر مؤسسه و اداره، فعالترین ارگانها هستند و بدیگر سخن دایره "پاکسازی" شامل افرادی است که سرشان به حزب جمهوری اسلامی وصل است. پاکسازی در حقیقت بغیر از تصفیه حسابهای خصوصی عده ای یا عده ای دیگر از شیو اسناد بقیه در صفحه ۴

رژیم در بیدادگاه خود بر علیه تقی شهرام آرمان زحمتکشان را به محاکمه میکشد

سراجام بیدادگاه رژیم جمهوری اسلامی بدنبال تبلیغات فراوانی که بعمل آمد، تشکیل شد تا تقی شهرام این انقلابی مبارز را به محاکمه کند. بارها اعلام نمودیم که مسئله تقی شهرام مسئله ای است مربوط به نیروهای انقلابی که خود نیز میبایستی آنها را حل نمایند. این بدان مفهوم است که عوامل رژیم ضد خلقی که همه حرکات و سیاستهایشان در جهت امپریالیسم و علیه نیروهای انقلابی و خلق است، هرگز صلاحیت ندارند که تقی شهرام را به محاکمه کنند. وجود محمد رضا سعادت سی همرمز شهرام در زندان رژیم جمهوری اسلامی خود گویای این واقعیت است که اگرچنانچه حتی صدیه لباف و مجید شریف واقعی زنده بوده و در سازمان مجاهدین فعالیت میکردند امروز بوسیله همین رژیم و در کنار همزمان مجاهدشان به بند کشیده میشدند. ما با هم بصراحت اعلام داشتیم که دادگاه جمهوری اسلامی را در محاکمه انقلابیون چون تقی شهرام هرگز برسمیت نمی شناسیم و این دادگاه بنا بر دلایل فوق اصولاً فاقد هرگونه صلاحیت است. حال پس از چند ماهی که از دستگیری تقی شهرام میگذرد بقیه در صفحه ۲

تحصن بازماندگان شهدا سینه مار کس

اکنون حدود سه ماه از تحصن خانواده های شهدای فاجعه سینما رکس آبادان میگذرد. در این فاصله نه تنها حکومتیان به خواسته های بحق این داغداران واقعی ننهاده اند، بلکه با گسیل اوباشان حزب الهی به جمع متحصنین بارها آنها را تحت فشار قرار داده اند تا شاید از خواسته های خود عقب نشینی نمایند. مگر این خانواده ها خواهان چه چیزی هستند که این گونه تحت فشار قرار میگیرند؟ آیا جازاین است که آنها میخواهند قاتلان فرزندان و عزیزان شان بدست عدالت سپرده شوند؟ حکومت جمهوری اسلامی میکوشد تا با وعده و وعید از پیگیری فاجعه سینما رکس سر باز زند. چه بقیه در صفحه ۳

پشت پرده اشغال لانه جاسوسی

"اطلاع پیدا کرده بودیم که گروهکهای مخالف جمهوری اسلامی و رژیم موجود در صدر بودند که بدنبال به تعطیل کشاندن بیایی مدارس در چند روز قبل که بچه ها را به خیابان میکشیدند - در آنروز که روز ۱۳ بقیه در صفحه ۳

رژیم در...

رژیم يك دادگاه فرمایشی تشکیل میدهد که تقی شهرام را محاکمه کند. رژیم تقی شهرام را نه بخاطر اعمال وی، بلکه فقط و فقط بخاطر انقلابی و علی الخصوص بخاطر کمونیست بودن وی به محاکمه میکشد. سیر دادگاه شهرام گواه کاملی است بر این واقعیت. بخصوص اینکه فردی چون معاد یخواه که وابسته به حزب فاشیستی جمهوری اسلامی است، بعنوان حاکم شرع در این دادگاه نقش بازی میکند. حزب جمهوری اسلامی همه ضدیت و دشمنی خود را با کمونیستها این مدافعین واقعی زحمتکشان، در این بیدادگاه آشکار میسازد و وی را به دلیل مارکسیست شدن بسـه "عقوبتهای" سخت تهدید میکند. اما این حقوقتهای "سخت چیست؟ آیا جز آنچه که تقی شهرام در زمان رژیم شاه هم بـهـمان تهدید میشد، چیز دیگری است؟ تقی شهرام در سخت ترین شرایط چندین سال زندان آریامهری را در راه دفاع از آرمان زحمتکشان بجان خرید و پس از فرار از زندان نیز همچنان به این آرمان وفادار مانده و خستگی ناپذیر به مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم ادامه داد. شهرام هرگز از مرگ هراسی بدل نداشته و ندارد. مگر نه اینکه او حاضر است زندگی خود را در راه رهایی خلق بدهد، پس رژیم باید بداند که این تهدیدها عیب بوده و وی را از آن بهرهای نیست رژیم حتی کوشید تا شاید شهرام را به سخن گفتن بر علیه کمونیستها و مجاهدین وادارد اما شهرام همچنان ایستاده و می ایستد و همانگونه که همیشه در مقابل مرتجعین نه گفته است، با اعلام اینکه دادگاه صلاحیت ندارد و وی حاضر است بوسیله مجاهدین محاکمه شود، با ضد خلق مرزبند قاطعانه ای کرده و نشان داد که همچنان به انقلابیون وفادار است. معاد یخواه که همه وجودش مملو از کینه به انقلابیون بوده و از ایستادگی شهرام به تنگ آمده است، جسارت و وقاحت را بجائی رسانیده که تلویحا اظهار میدارد که فرار شهرام از زندان آریامهری به کمک ساواک و ساختگی بوده است. امانید اند که این شرک و شیادان که دیگر رنگ باخته و هیچکس را باور بر این امر

نیست. همه کوشش بیدادگاه بر اینست که از تقی شهرام تصویری ضد انقلابی بدهد و منتسب کردن وی به ساواک نیز وسیله ای است برای فریب از هان توده ها. اما توده ها نیک میدانند که شهرام همیشه بر علیه رژیم شاه و دستگاههای سرکوبگری بوده است. حتی آنهایی که ناآگاهانه و تحت تأثیر تعلقات مذهبی خود و تبلیغات رژیم با سوء استفاده از این تعلقات، بر علیه شهرام شورید و حتی گاه آخواهان مجازات وی شده اند، بخوبی بر این امر آگاهند که شهرام فقط بخاطر کمونیست بودن محاکمه میشود و نه بدلیل ساواکسی بودن. اضافه کنیم که رژیم دقیقاً از همین ناآگاهی استفاده کرده و میکوشد دشمنی خود را با کمونیستها که در واقع ناشی از خصومت سرمایه داری با کمونیسم و زحمتکشا است، تعمیم داده و به پشتوانه حمایت توده های ناآگاه، دشمنان سرسخت و خستگی ناپذیر سرمایه داری را از سر راه خود دور سازد تا با فراغ بال در عرصه میهن یک تازی کرده و خون توده های رنج دیده را بـمـکـد. رژیم حتی حق داشتن وکیل مدافع را از شهرام سلب کرده است تا بی دغدغه خاطر هرگونه که میخواهد جریان بیدادگاه را به پیش ببرد و بعد هم بایک حکم فرمایشی این مبارز خستگی ناپذیر را به جوخه آتش بسپارد. رژیم حتی می تواند همین دادگاه فرمایشی را هم براه نیندازد، کما اینکه بسیاری از انقلابیون و مبارزین را در طول چند ماهه اخیر بدین محاکمه و فوری اعدام کرد، اما بدلا یلی مجبور شد به تشکیل دادگاه برای شهرام تن بدهد. اولاً دستگیری شهرام بسیار پرسرو صدا بوده و اعتراض همگان را برانگیخت و رژیم نمیخواست در حالیکه برای مزدورانی چون کمالی و تهرانی دادگاه تشکیل داده و به آنها حق دفاع دادناست با عدم تشکیل دادگاه برای شهرام خود را بی حیثیت سازد و برای اینکه خود را با انصاف جلوه دهد و تبلیغات علیه خود را خنثی سازد مجبور به تشکیل دادگاه فرمایشی گردید. اما همین امر که شهرام را از داشتن وکیل محروم کرده اند نشان میدهد که "انصاف" رژیم تاچه حدی است و اصولاً در مورد بچه گمانی دیگر میروند. افراوش نکیم که کمالی و تهرانی مزدور و ساعتهای حق دفاع

داشته و چهره کشیشان بر صحنه تلویزیون جمهوری اسلامی نمودار بود. اینست آن انصافی که رژیم از آن دم میزند، یعنی منصف بودن در مقابل مزدوران و برای آن ها حقوق خاصی قائل بودن اما انقلابیون را از همه حقوق محروم کردن. ثانیاً رژیم در صد دادگاه مسئله شهرام بر علیه کمونیستها و بدفع خود استفاده کند. سازمانهای کمونیستی را به محاکمه کشد. به عبارت دیگر رژیم میخواهد با این محاکمه ایده کمونیسم و امر رهایی زحمتکشان را به اعتبار ساخته و از گسترش آن جلو گیرد. ثالثاً رژیم خیال دارد از مسئله تقی شهرام حتی بر علیه خود مجاهدین خلق نیز بهره تبلیغاتی گرفته و سازمان مجاهدین را نیز به محاکمه بکشد و درست به همین دلیل هم حتی اجازه حضور مجاهدین در دادگاه را نداد.

حال دو جلسه از بیدادگاه میگذرد. در این دو جلسه رژیم همه اهداف فـوـی را دنبال کرده است. لذا انقلابیون و کمونیستها وظیفه دارند با همه قوا بدفاع از شهرام که دفاع از آرمان زحمتکشان است برخاسته و در سطح وسیعی دست تبلیغات زده و برای همگان آشکار سازند که ضدیت رژیم با تقی شهرام ضدیت با زحمتکشان بوده و این نیز ناشی از ماهیت رژیم سرمایه داری است.

پاکسازی...

را برمسند امور و حتی برآس "دوای سر پاکسازی" میگذارند، کسانی که خود وجود متعنی هستند که میکرب بسادگی میتوانند در آن زندگی ورشد و تکثیر نمایند، کسانی که در خدمت اهداف امپریالیسم دست به سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست می زنند، کسانی که..... بلکه اینان هرگز قادر نیستند سیستم اداری را تغییر نیایند دهند و داد و قال "پاکسازی" آنها نیز به منظور دیگری است که در پیش کشیم.

مردم باید بدانند که با این چنین اعمالی که از سوی هیئتهای پاکسازی صورت میگیرد، سیستم اداری کشورمان هرگز انقلابی نخواهد شد که هیچ، بلکه باتصفیه عناصر انقلابی و کمونیست ادارات در مقابل امپریالیسم و مرتجعین داخلی ضربه پذیرتر خواهد شد.

انقلاب فرهنگی...

فرهنگی حکومت را هموار سازد . حکومت فقط با بخون کشیدن فرزندان راستین خلق میتواند " انقلاب فرهنگی " ارتجاعی خود را به ثمر رساند و بهمین جهت است که شاهدیم در گوشه و کنار میهنمان هر روز قربانی دیگری می طلبد و هرروز فرزندان پاکباخته خلق را به جرم وفاداری به خلق مخفیانه ترور میکند ، دادگاههای فرمایشی برایشان تشکیل میدهد ، به زیرشایدترین شکنجه های قرون وسطائی میکشد و بحبس و اعدام محکوم مینماید و همه و همه راهم بزورانه تحت پوشش اسلام انجام میدهد تا توده های ناآگاه را به حمایت از جنایات خود وادارد .

اعداد فرامرز حمید موج عظیم خشم بحق مردم مبارز رشت را برانگیخت . بهنگام تشییع جنازه این شهید بخون خفته شعارهای " مرگ بر ارتجاع " ، " این سند جنایت جمهوری اسلامی است " ، " مرگ بر پاسدار حامی سرمایه دار " ، " مرگ بر پاسدار ، کریمی ، انصاری - مزدوران سرمایه " ، " کردستان گیلان پیوندتان مبارک " و ... طنین افکن شد که خودگویای تنفر و انزجار عمیق مردم نسبت به حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی و همه عوامل و ارکان های ضد خلقی و دستگاه های سرکوبگر حکومت بود . مردم رشت تشییع جنازه عزیز از دست رفته خود را به حرکتی اعتراضی علیه رژیم بدل ساخته و خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی حادثه خونبار دانشگاه شدند . زندانیانی که خطر اعدام جان بسیاری از آنها را تهدید میکند . یاسر شهید فرامرز حمید را گرامی داریم و متحدانه به دفاع از زندانیان سیاسی و برای آزادی فوری و بی قید و شرط آنها برخیزیم

توضیح

در پیکار خلق شماره ۵۴ نوشتیم " دهن از مبارزین بنامهای منوچهر جعفری و مهدی علوی - شوشتری ... بدست جلا دهن رژیم به جوخه آتش سپرد شدند " . رفیق شوشتری از مبارزین بود که بدست جلا دهن حکومتی بشهادت رسید . ولیکن در ارتباط با منوچهر جعفری لازم بدقت گردید انیم که بدون شناخت کافی از سابقه عدلانه و چگونگی فعالیت وی از او ناسلام بردیم و در نتیجه انتقاد را بر خود وارد میداریم

تحصن...

در صورت پیگیری و جستجوی عاملان اصلی این فاجعه ، بعید نیست که پای بسیاری از کسانی که امروز بر مسند قدرت تکیه زده اند در میان آید . بازماندگان شهدای سینما رکس نیک میدانند که حکومت میخواهد بر آتش خشم آنها نسبت به جانیان رژیم شاه آب سرد پاشیده و بر ماجرای به آتش کشیدن عزیزان شان سرپوش گذارد و درست به همین دلیل است که حکومت وحشت زده از اینکه مشتهای رسوایش باز شود ، آنها را تحت فشار قرار میدهد . هرروز عده ای اوپاش بر علیه تحصن خانواده های شهدای سینما رکس دست به راهپیمائی میزنند و بعد هم به آنها حمله ور میگردند و درگیری ایجاد میکنند بدون آنکه هیچ مرجع و مقامی از اعمال و حیثیات آنها جلوگیری کند .

سرانجام بر اثر پافشاری این عزیزان دست دادرگان ، قدوسی دادستان کل " انقلاب " ظاهراً قبول رسیدگی داده است . اما این خانواده ها حق ندارند بپرسند که چرا بعد از این همه مدت تازه دارند " مقامات تشکیل دادگاه " را فراهم میکنند و اصولاً چه کسانی را میخواهند به دادگاه بکشانند و آیا مدارک و اسناد به اندازه کافی موجود نیست تا چهره مزدوران افشاء گردد ؟ حکومت باید بداند که مردم آبادان از این خواسته های بحق خود دست نکشیده و در پیگیری آن کوتاهی نخواهند ورزید حتی اگر باز هم هرروز و هر ساعت مزدوران و اوپاش اجیر شده حکومت جهت ارباب به تحصن بازماندگان شهدای سینما رکس یورش برند . حکومت باید بداند که با وعده " فراهم کردن مقامات تشکیل دادگاه " نمیتواند این داغ دیدگان عزیز از دست داده را سربزد و دهن عاملان جنایت سینما رکس را از چنگ عدالت رها سازد . حکومت باید بداند که مردم زحمتکش آبادان بخوبی بر این امر آگاهند که بسیاری از حکومتچیان امروزی در ماجرای " ناپدید شدن " تیسار رزنی خائن که ساز جمله عاملان اصلی جنایت سینما رکس بود ، دست داشته اند و درست بهمین جهت از پیگیری ماجرا بیمناکند .

از تحصن بازماندگان قربانیان فاجعه سینما رکس قویا پشتیبانی کنیم

پشت پرده...

آبان (روز دانشجو) مسائلی را در سطح مملکت به پیش بکشند گروهکهای میخواستند با طرح مسائلی در کل مملکت مدارس و دبیرستانها و حتی دانشگاهها را به تعطیل بکشند . انتخاب این روز آن بود که در آن یک حرکت صحیح در خط امام و مطابق حرکت انقلاب اسلامی انجام شود تا این جریانهای انحرافی راتحت الشعاع قرار داده و به همه جامعه جهت بد هد . البته مایه پیچ وجه قبل از انجام این کار فکر نمیکردیم که این مسئله اینقدر عمیق پیدا کند (خوشینی ، جمهوری اسلامی ۲۵) دیدیم که جریان اشغال سفارتخانه آمریکا مستقیماً از سوی حزب جمهوری اسلامی رهبری میشد و خوشینی که خود از وابستگان این حزب است ، اینک به صراحت هدف اشغال را توضیح میدهد .

بله ، درست هنگامیکه موج ناراضیتی توده ها گسترش مییافت ، زمانیکه دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و نیروهای انقلابی در تظاهرات اعتراضی علیه سیاستهای حکومت ، قدرت مند ان رابیش از پیش افشاء میکردند بخشی از حکومت دست به عملی میزنند که تأثیر این مبارزات را " تحت الشعاع " قرار بدهد . پس مسئله اصلاً مبارزه علیه امپریالیسم نیست . هدف آنست که این مبارزات خنثی گردد . هدف حمله به سازمانهای انقلابی است و نه امپریالیسم . اینان خود نیز از عمق یافتن مسئله بیم داشته اند و میترسیدند که فریاد های مرگ بر امپریالیسم آمریکا در سر تاسرمیهن طنین افکن شود . این دیگر خارج از برنامه و اراده کسانی بود که لانه جاسوسی را تصرف کرده بودند و دیدیم که مدتی بعد چگونه حرکات ضد امپریالیستی توده ها را ترمز کرده و با طرح مسائلی انحرافی قصد داشتند توجه توده ها را از امپریالیسم منحرف ساخته و از اشغال جاسوسخانه از سوئیسی برای سرکوبی نیروهای انقلابی استفاده مکرر و از سوی دیگر برای تصفیه حسابهای درونی بهره جستند . سخنان خوشینی خود بسیار گویا است و توضیحات بیشتری را لازم ندارد این سخنان هرگونه توهم نسبت به هیئت حاکمه را که پس از اشغال لانه جاسوسی برخی نیروهای پیش آمده بود ، میزداید

پاکسازی...

و باصطلاح زهرچشم گرفتنهای مشخص، عامل بسیار مهمتری را نیز در اربود ماست و آن هم سرکوب افکار ضد امپریالیستی و کمونیستی در ادارات و مؤسسات می باشد. عاملان انجمنهای اسلامی پس از برنامه ها در مدت حزب معلوم الحال جمهوری اسلامی برای سرکوبی نیروهای انقلابی که در نوار افشاء شده آیت بخوبی مشخص بود، وظیفه مستمر و متمرکز شناسائی افراد مترقی و فعالان سیاسی مترقی ادارات و مؤسسات را از طرف حزب جمهوری اسلامی بعهده گرفته و نتایج جاسوسی خود را به حزب گزارش میدهند و حزب هم با استفاده از مهره هایی که در ساوا و مرکز اسناد ملی (بخوان مرکز آمار ساوا) دارد این گزارشها را بررسی و تکمیل کرده و سپس اخراجها شروع میشود. بنابراین حزب جمهوری اسلامی بخوبی نطق امام را درک کرده است و می بینیم که برای تکمیل ادراک خود به تازگی به عمل دیگری دست زده و آن اینکه تحت هدایت این حزب ستادی بنام "ستاد پی گیری و بررسی بیانات امام" تشکیل شده است تا هر فرمان امام را به شکل دلخواه و در واقع آنگونه که امام منظور دارد در سطح وسیعی به اجرا درآورد! پس فرمان قلع و قمع مبارزان و افراد متعهد و آگاه در سطح ادارات و مؤسسات و در سرتاسر کشور بوسیله خمینی صادر میشود و اینک عجلان و حیره خوران این حزب به تکاپو افتاده و در حال "پیگیری بیانات" هستند. در تمام مؤسسات و ادارات بجز عده انگشت شماری از ساواکیها که دیگر زبانزد خاص و عام بوده و اگر برکنار نمی شدند حتی عقب افتاده ترین توده ها هم به ماهیت پاکسازی هیئت حاکمه شک می کردند، بقیه افراد که شامل پاکسازی شده اند از مبارزین ضد امپریالیست و کمونیست بوده است. دوا بر پاکسازی یعنی انجمنهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی حتی افرادی را که بنحوی از وضع موجود کشور در رابطه با مسائلی چون مسکن، گرانی و... ابراز نارضایتی کرده اند، از کار برکنار ساخته اند. این برنامه پاکسازی انسان را بنیاد پاکسازیهای مشابه

در آلمان بوسیله هیتلر و مک کارتی آمریکائی پس از جنگ جهانی دوم در مؤسسات و ادارات آمریکا می اندازد. این برنامه ها بدین ترتیب بود که تمام افراد مکرات، کمونیست و حتی اشخاصی را که به سیاست های هیئت حاکمه آمریکا و آلمان انتقاد داشتند، از کار برکنار کرده و عده ای دست چین شده را بجای آنها بکار میگمارند تا بقدر کفایت بنفع حکومت تبلیغ نمایند که حکومت بتواند پایه های مادی در بین اقشار مختلف کارکنان بدست آورد.

رژیم کونی ایران نیز از این تجربیات بهره میگیرد. رژیم از دست شدن پایه ها، حکومتش بسیار واهمه دارد و با چشم باز میبیند که از پایه های توده ایش در تمام اقشار و طبقات و علی الخصوص زحمتکشان بمقدار فراوانی کاسته میشود. رژیم نیک میداند که انقلابیون و مبارزین با تبلیغات و افشاگری های خود این کاسته شدن پایه توده ای رژیم را تسریع میکنند. لذا بایستی کاری کند که از سوئی برای خود محبوبیت کسب نماید و از سوی دیگر از دست انقلابیون حتی در ادارات و مؤسسات خلاصی یابد. پس برنامه "پاکسازی" اهرم مناسبی است برای تحقق بخشیدن به اهداف فوق. بخصوص اینکه مردم از وضع بد ادارات و مؤسسات نیز بستوه آمده اند و این خود موج نارضایتی را افزایش میدهد. بنابراین با این عمل خود بقول معروف با یک تیر دو نشان میزند.

اما مردم باید بدانند که تازمانیکه چنین رژیمهایی بر سر کارند، به این چنین سیستم اداری نیز برای بقای خود نیازمندند و هیچگاه با اخراج افراد متعهد به خلق و یا رفم، سیستم پوسیده اداری کشور را بهبود نخواهد یافت و باز هم شاهد خواهیم بود که مادی رنجور برای یک کار کوچک بارها از این اطاق به آن اطاق رانده شده و بوروکراسی و کاغذبازی همچنان بر ادارات و مؤسسات حکمفرمائی خواهند کرد. قابل توجه است که ما از سیستم صحبت کردیم و نه از افراد. سیستم اداری آن روینائی است که بایستی جوابگوی زیربنای اقتصادی باشد بنابراین سرمایه داری وابسته سیستم اداری خود را نیز میطلبد. پس سیستم اداری کونی با زتاب اختلالات، آنارسیسم، سود جوئیها و وابستگی نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما است. پاکسازی در راه آزادی طبقه کارگر

ما کمونیستها پس از قیام بهمن ماه همیشه فریاد بر آورده ایم که سیستم اداری کشور میبایستی تجدیری بنیادی نیابد و بخصوص بر روی مسئله ارتش بسیار تأکید کردیم. امروز شاهد هستیم که گروه گروه و پادشاهان کودتاگر در ارتش رو میشوند که پیش از آنکه منافع خلق را مدنظر داشته باشند، در خدمت منافع امپریالیسم و ارتجاع حرکت میکنند. شاهد هستیم که افراد زیادی از عاملان رژیم شاه موفق به فرارگشته اند. آیا اینان بدون داشتن دستهای در وزارت امور خارجه و اداره گذرنامه و غیره میمانند و... هرگز قادر نبودند فرار کنند؟ آیا این ارزهایی که از مملکت خارج میشود بدون دست داشتن کسانی که برمسند امور هستند، خارج میشود؟ آیا فردی چون مظفریان که از مکیدن خون زحمتکشان فریه شده است، بدون رشوه دهنی قادر بر سود این چنین آزادانه به کسب و کار "مسرور" خود ادامه دهد و بریش همه بخندد؟ آیا مزدوران ساواکی که یکی پس از دیگری آزاد شده و به توطئه مشغول میگردند بدون کمک همپالگان شان در دستگاههای اداری و حتی در دانشگاههای "انقلاب" میتوانستند به اهداف خود نائل آیند؟ مگر نه اینکه ماجرای اختلاس آذری قبی و دستیارانش رو شد؟ مگر نه اینکه اختلاسهای بنیاد "مستضعفین" برملا شد؟ پس چه دستاویزی برای این اختلاسها سرپوش گذاشته و از پیگیری آن جلوگیری کرد؟ مگر مردم ماجرای نیک خلق را در وزارت بازرگانی و ایزدی را در وزارت کشاورزی فراموش کرده اند؟ چه کسانی با "بیانات" مختلف مردم را از این مسائل دور نگه میدارند تا باز و بند های فراوان و بجیب زدن مبالغ کلان بر شرورهای خمیسو بیفزایند؟ پاسخ همه این مسائل را انقلابیون و کمونیستهای میهن ما بارها داده اند. حقانیت گفتار کمونیستها امروز بیش از همه آشکار میگردد. این هیئت حاکمه است که زمینه های رشد چنین جریانانی را فراهم می سازد. امروز پس از گذشت یکسال و اندی همان شیوه های رشوه خواری و فساد در تمام پیکر ادارات و مؤسسات کشور حاکم است. کسانی که خود از قبل این امر زندگی کرده و وجود شان از رشوه و اختلاس و مکیدن خون زحمتکشان استوار است، کسانی که ساواکیها بقیه در صفحه ۲